

به قلم بدستان مهین پرست ای که درجبهه فرهنگی
علیه هر گونه زن ستیزی بطور اعم و درقلمرو ادب
بطور اخص، با شجاعت می رزمند، وازاندرخته ی
پربارشان در گستره ی ادب بویژه شعر و موسیقی
هموطنان شانراستفید می سازند؛ درود های بی پایان
تقدیم باد!

رحیمه توخی (ماه حمل ۱۳۸۶)

بر دارِ شعر

در هر کجا پنهان شوی ، زود پیدایت کنیم
خار مغیلان و زقوم ، فرش در راهت کنیم
زیاده نوشی مدام ، دور از ادب گشتی چنان
تنگ می در دست ما ، خالی به مینایت کنیم
تا پیر شود از شراب ، زمستی کنی عالم خراب
در نزد پیر و برنا ، شهره وافشایت کنیم
ز "فهم" ات گفتند سخن ، از جمله ات آید بوی گند
زان بی حرمتی به زن ، هر کجا رسوایت کنیم
غرق هستی در لجن ، برجای شعر گویی چرند
شیشه ی ادب شکستی ، " تیمارستان " جایت کنیم
سر تا پای وطن ، گشته ست اسیر اجنبی
کابل و ننگرها را چرا ؟ کنگاش در پندار هایت کنیم
آرمانی نداری جزء نفاق ، اینست اندیشه ات
روزی برمسند قضا ، زنجیر در پایت کنیم
زن و دخت افغانستان ، خون ملالی در رگان
گر آیی به چنگ مان ، بر دارِ شعر بالایت کنیم

